# ظن

- مقام دوم: وقوع اعتماد عقلایی یا شرعی به ظن
  - ظنون معتبر ظنونی که از بحث اصل خارج شده اند
    - خبر واحد
      - حجیت خبر واحد
        - ادله قائلین به حجیت خبر واحد
          - ادله
            - استدلال به آیه نبأ
            - استدلال به آیه نفر
              - اثبات وجوب حذر در آیه
                - از آیه شریفه می‌فهمید که وقتی منذر و محذر خبر آورد، واجب است دیگران حذر کنند و ترتیب اثر بدهند؛ همسان در رابطه با خبر محذر آیه شریفه مطلق است، یعنی محذر چه خبر متواتر بیاورد ، محذر بی‌متواتر باشند ، یا محذر واحد مع القرینه باشد یا محذر واحد بدون قرینه باشد، آیه شامل هر سه مورد می‌شود، یعنی وقتی محذر خبر آورد، حذر کردن و ترتیب اثر دادن واجب است مطلقا
                - دلیل اول: اهل برای ترهیب است و در رابطه با ضابطه ترغیبی بحال است پس کلمه ترهیب و اهل به معنای مطلوبیت و عسر است یعنی ضابطه این کار را دوست دارند بفرانس از آیه شریفه استفاده می‌کنیم که ضابطه دوست دارد در وقت خبر محذر، دیگران حذر و ترتیب ترتب‌دهند
                - بیان ملازمه بین مطلوبیت حذر و وجوب آن
                  - بیان اول: کلام صاحب معالم: حذر دو حالت بیشتر ندارد، حذر یا واجب و یا لغو و باطل است، زیرا با وجود مشخص حذر واجب است و با نبود مشخص، حذر میگو نیست
                  - بیان دوم: تمسک به اجتماع مرکب؛ یعنی قول به جواز عمل به خبر واحد ندارد، زیرا اقوال یا بر وجوب عمل به خبر واحد است یا بر حرمت عمل
                - دلیل دوم: آیه ظهور در وجوب انذار دارد؛ به عنوان غایت برای نفری قرار گرفته است که به مشاهده کنند خواهاه ظهور در وجوب دارد، وقتی هر که انذار واجب شد حذر نیز واجب است
                - بیان ملازمه بین وجوب انذار و وجوب حذر
                  - بیان اول: اگر انذار واجب باشد حتما باید قبول و حذر کردن و ترتب اثر دادن هم واجب باشد و گرنه انذار عمل لغوی می‌شود
                  - بیان دوم: اگر انذار واجب باشد یا قبول و حذر کردن واجب است یعنی حذر غایت وجوب انذار است و غایة واجب، واجب است
                - اشکال: آیه شریفه هیچ ربطی به مسأله تفقه و انذار ندارد بلکه مربوط به جهاد است؛ یعنی وجوب است که عده‌ای از مردم به سمت جهاد کوچ کنند، چرا که غایة جهاد حفظ اسلام است، که تفقهی موجب یک فایده فرعی مثل نقل آیات الهی هم می‌شود پس وجوب نفر دلیل بر وجوب حذر نمی‌شود
                - جواب
                  - اولا: در آیه هیچ قرینه‌ای بر این نیست که مراد از نفر، نفر اقلی الجهاد است
                  - ثانیا: اگر بپذیریم که مراد از نفر جهاد است ولی اینطور نیست که غایت اصلی نفر همان جهاد باشد، بلکه یکی از اهداف اصلی این نفر، تفقه می باشد که واجب است
                  - نکته تفسیر آیه شریفه در بعضی از روایات اینگونه است که عده مردم به جبهه برونم و شهر مدینه و اطرافش را خالی بگذارند بلکه یک گروه به جهاد بروند و گروه دیگر در شهر مدینه باقی بانند و احکام دینی را یاد بگیرند، وقتی رسیدند برگشتند آن کسانی که در شهر مانده و احکام را یاد گرفتند به رزمندها احکام را یاد بدهند و آنها هم قبول کنند، بر طبق این تفسیر هم معلوم شد که حبر مخبر حجیت خواهد بود
                  - در روایات نیز استشهاد کلمه به این آیه، دلیل بر این است که از آیه نفر بر تفقه استفاده می‌شود
              - استدلال به آیه نفر
                - استدلال به آیه نفر صحیح نیست و آیه بر حجیت خبر واحد دلالت نمی‌کند؛ این استدلال سه اشکال دارد
                - اشکال اول: حکم حذر در آیه شریفه مطلق نیست و قدر متیقنی از این آیه شریفه این است اگر قول منذر مفید علم بود شما ترتب اثر بدهید، ولی اگر مفید ظن شود و خبر واحد بود دیگر آیه شریفه ساکت است بنابراین آیه اطلاق ندارد و شامل خبر واحد نمی‌شود، فقط آیه صرفا در جهت بیان مطلوبیت انذار است
                - اشکال دوم: آیه شریفه در مقام بیان عمل به واقعیات واعین قطعیه است و بیطلی به جعل طریق(خبر واحد) ندارد
                - اشکال سوم: آیه دلالت بر حجیت قول واحد و فتوای مجتهد ندارد نه خبر واحد
                - توضیح به دو بیان
                  - بیان اول: انذار به معنای ابلاغ همراه با ترسانن از عقاب است انذار به این معنا وظیفه دو شخص می باشد
                    - الف: واحد که مردم را به امر مسلمه و معلومه نزد آنها انذار می دهد و لا اشکال که حذر هنگام انذار واحد واجب است چون حکم برای مردم معلوم و مسلم است
                    - ب: مجتهد، مقلدین را به واجبات و محرماتی که استنباط کرده فتوا می دهد (و فتوای مجتهد به دلالت التزامیه انذار است) و لا اشکال که حذر بر مقلدین هنگام انذار مجتهد، واجب است
                    - بنابراین آیه دلیل بر حجیت قول واحد و فتوای مجتهد من شود بر خلاف نقل روایت که در آن انذار نیست، چون روی نیست به مجتهدی که روایت او را می بیند و یا می شنود، نه جمله واحد دارد و نه جمله مجتهد و لذا آیه، دلیل بر حجیت روایت نخواهد بود
                  - بیان دوم: آیه دلالت دارد بر اینکه انذار واجب است در اینجا می گوییم منذر دو صورت دارد
                    - صورت اول: گاهی منذر مضمونی را نقل می کند که این مضمون را به اجتهادات خود از روایت به دست آورده است
                    - بر این صورت، حذر، تنها بر مقلدین این منذر واجب است و لذا این مضمون بر مجتهد دیگر، بلااجتهاج حجت نیست
                    - صورت دوم: گاهی منذر با حکایت کردن خبر معصوم انذار می کند بدون اینکه رأی و اجتهاد خود را در این خبر اعمال کرده باشد، مثل اینکه در مقام انذار می گوید، قال الامام من شرب الخمر کمن شرب الخمر
                    - بر این انذار، دو جهت وجود دارد
                      - جهت اول: جهت ترسانن، این جهت ناشی از اجتهاد منذر است (چون اگر از روایات حکم شرعی التزامی را خبر قهوت، ترسانن و معقول نبودا و لذا تنها بر مقلدین این منذر، حذر واجب است
                      - جهت دوم: جهت نقل روایت، این جهت تابع به حال مجتهد دیگر است ولی آیه، دلالت بر حجیت از این جهت ندارد، چون آیه می گوید، حذر عند الانذار واجب است، ولی چون انذار نقل از راه اجتهاد خودش به دست آمده و اجتهاد او در حق مجتهد دیگر حجت نیست، لذا هنگام انذار نیز حذر واجب نمی شود و زمانی که حذر واجب نبود، آیه دلیل بر حجیت خبر این نقل نمی شود
                  - نکته روایت فضل بن شاذان «تسک حضرت به آیه نفر در خبر واحد» نمی تواند آیه نفر را شامل نقل خبر بکند تا در نتیجه، حجیت قول واحد فتوای مجتهد و نقل روایت ثابت شود، زیرا
                    - اولا: اگر این روایت بخواهد آیه را شامل نقل خبر واحد کند، لازمه آن دور است، چون حجیت خبر واحد موقوف بر این است که آیه شامل نقل خبر بشود
                    - ثانیا: یحتمل مقصود امام در خبر فضل، حجیت خبر متواتر باشد و لذا جا ء الاحتمال، بطل الاستدلال